

لا لائت

نتیجان یک نیروی اقتصادی در توسعه روستایی

نویسنده: سمیه جنگی کاشانی - کارشناسی ارشد توسعه روستایی

چکیده:

مقاله حاضر یک مقاله تحلیلی در حوزه کارآفرینی اقتصادی است که معنا و مفهوم آن و وجه امتیاز و نقش آن به ویژه در توسعه روستایی است. مهمترین عامل در هر فعالیت اقتصادی نیروی انسانی است و نخستین بخش از هر حرکت اقتصادی به پایه گذاران و شروع کنندگان آن تعلق دارد. کارآفرینان با داشتن ویژگی‌هایی چند همچون ریسک پذیری، تدبیر و موقعیت شناسی، شناخت از منابع و توان دسترسی و به کارگیری آنها می‌توانند نقطه اتکای مناسبی برای گسترش فعالیت‌های اقتصادی محسوب شوند باید اشاره داشت که کارآفرینی یکی از راه کارهای اساسی در ایجاد فرصت‌های اشتغال، فقر زدایی، کاهش میزان مهاجرت و به طور کلی توسعه روستایی و به طور خاص توسعه کشاورزی است.

مقاله حاضر در برگیرنده مباحث متعددی در حوزه مفهومی کارآفرینی همچون معنا و منشأ پیدایش و پایه‌های سیاست‌های رواج دهنده کارآفرینی و نیز شرایط مساعد برای کارآفرینی و کارآفرینی روستایی است. روش استفاده در این مقاله با هدف شناسایی حوزه‌ها و سیاست‌های کارآفرینی استفاده از اسناد موجود و تحلیل مقالات حاضر بوده است.

مقدمه:

اکنون توسعه روستایی بیش از گذشته با پدیده کارآفرینی سرو کار دارد. موسسات و شخصیت‌های رواج دهنده توسعه روستایی کارآفرینی را به منزله یک مداخله راهبردی می‌دانند که می‌تواند فرآیند توسعه روستایی را تسریع بخشند. اما به نظر می‌رسد که همگی آنان بر نیاز به گسترش بنگاه‌های اقتصادی روستایی نیز توافق دارند. آژانس‌های توسعه، کارآفرینی روستایی را به عنوان یک نیروی اشتغالزای بزرگ، سیاست‌مداران آن را همچون یک راهبردی کلیدی برای جلوگیری از ناآرامی در مناطق روستایی و کشاورزان آن را وسیله‌ای برای بهبود در آمد خویش می‌دانند. زنان به این عامل همچون به یک امکان اشتغال در مجاورت محل سکونت خود می‌نگرند که می‌تواند خود مختاری، استقلال و کاستن از نیاز آنان را به حمایت‌های اجتماعی در پی داشته باشند. بین ترتیب کارآفرینی از نقطه نظر تمام این گروه‌ها به عنوان وسیله‌ای برای بهبود کیفیت زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی و ابزار برای تثبیت اقتصاد و محیطی سالم تلقی می‌گردد. در شرایط وجود یک سمت گیری کارآفرینی در قبال توسعه روستایی این موضوع پذیرفته می‌گردد که کارآفرینی یک نیروی مرکزی برای نیل به رشد و توسعه اقتصادی است. بدون آن دیگر عوامل توسعه به هدر رفته و تلف می‌شوند. با این حال پذیرش این نکته نمی‌تواند به تنهایی به توسعه روستایی و پیش برد فعالیت‌های اقتصادی بیانجامد. آنچه که علاوه بر تمام این موارد ضروری

است همانا محیط مساعدی است که کارآفرینی را در نواحی روستایی قوت بخشد. وجود چنین محیطی عمدتاً وابسته به وجود سیاست‌های ترویج کارآفرینی روستایی است. کارایی چنین سیاست‌های نیز به نوبه خود متکی به وجود یک چارچوب مفهومی در باره کارآفرینی به ویژه جنبه‌های مربوط به ماهیت و منشأ پیدایش آن می‌باشد.

مفهوم کارآفرینی:

کارآفرین شخصی است که به مخاطره کردن اشتیاق دارد. او شخصی است که با بهره‌مندی از فرصت‌های بازار عدم تعادل بین عرضه مجموع و تقاضای مجموع را از میان می‌برد.

او کسی است که یک فعالیت اقتصادی را مالکیت نموده و به اجرا در می‌آورد. برای انتخاب مهمترین تعریف کارآفرینی در نواحی روستایی باید مهارت‌های کارآفرینی مورد لزوم برای بهبود کیفیت زندگی افراد، خانواده‌ها و اجتماعات و نیز مهارت‌های مورد لزوم برای تثبیت یک محیط و اقتصاد سالم را مورد توجه قرار دهیم. در اولین تعریف از تعاریف چندگانه فوق‌الذکر برای نوآوری‌هایی که ماهیتاً کمتر حایز کارایی فن‌آورانه و سازمانی هستند اندک جایگاهی در نظر گرفته می‌شود. نوآوری‌هایی مثل اقتباس فن‌آوری‌های قدیمی در یک کشور در حال توسعه یا ورود در بازارهای صادراتی که پیش از این توسط سایر شرکتها قبضه شده اند از جمله این نوآوری‌ها به شمار می‌روند. برداشت کارآفرینی

به معنای مخاطره پذیری برخی عناصر را همچون توانمندی بالا برای شناسایی فرصت‌های استفاده نشده بازار مورد غفلت قرار می‌دهد. در تعریف کارآفرینی به معنای نیروی ثبات دهنده کارآفرین به حل و فصل عدم تعادل‌های بازار محدود می‌گردد. در حالی که تعریف کارآفرینی به معنای مالکیت و اجرای یک فعالیت تجاری امکان بروز رفتار کارآفرینانه را از غیر مالکان، کارگران و مدیرانی که در فعالیت اقتصادی منافع کمتری دارند نفی می‌کند. در اینجا مناسبترین تعریف کارآفرین که با زمینه توسعه روستایی نیز تناسب دارد مطرح می‌گردد. در این تعریف که در عین حال گسترده ترین توصیف از کارآفرینی محسوب می‌شود این اصطلاح این گونه تشریح می‌گردد. نیرویی که سایر منابع را برای پاسخگویی به تقاضای بی‌پاسخ بازار بسیج می‌کند. توانایی خلق و ایجاد چیزی از "هیچ" و فرآیند خلق ارزش به وسیله امتزاج وجود واحدی از منابع برای بهره‌گیری از یک فرصت "چنین تعریفی از کارآفرینی با هر نوع ساختمندی عوامل تولیدی مرتبط بوده و مانع بروز نوآوری‌های فن‌آورانه نمی‌گردد. در همان حال این تعریف با بروز فعالیت‌های کارآفرینانه کارآفرینانه در داخل و خارج یک سازمان نیز ارتباط دارد. نه تنها کارآفرینی با پدیده‌های نوین جهانی و ملی سرو کار دارد بلکه اقتباس گونه‌های جدیدی از سازمان‌های تجاری، فن‌آوری‌های نوین و بنگاه‌های جدید مولد در کالاهای تازه را نیز شامل می‌شود. این تغییر از کارآفرینی می‌تواند به عنوان محرک اولیه توسعه در نظر

گرفته شود و دلیل فزونی نرخ رشد اقتصادی در ملت‌ها، مناطق و اجتماعات مشوق کارآفرینی را در مقیاس یا ملت‌ها، مناطق و اجتماعاتی که نهادها، سیاست‌ها و فرهنگشان تضعیف کننده کارآفرینی است بیان نماید. یک اقتصاد کارآفرین در تمام سطوح ملی، منطقه‌ای و اجتماعی عمدتاً هم از نقطه نظر ساختار اقتصادی و توان اقتصادی خود و هم از نقطه نظر ماندگاری اجتماعی و کیفیت حیاتی که با جاذبه‌های مداوم خود به مردم پیشنهاد می‌کند خود را از یک اقتصاد غیر کارآفرین متمایز می‌سازد. ساختار اقتصادی بسیار پویاست. و به خاطر روند سریع ایجاد شرکت‌های جدید و خروج شرکت‌های رو به زوال و بی‌رونق حایز ویژگی رقابتی است. در ادبیات کارآفرینی عبارت غزل‌ها برای نامیدن شرکت‌هایی که با روند شتابنده‌ای رشد می‌کنند اطلاق می‌گردد. غزل‌ها کلید توسعه اقتصادی هستند. بر اساس نقطه نظرات تووالف‌هون و آیندورز در رأس این شرکت‌ها کارآفرینانی قرار دارند که شرکت‌های خود را هم برای ادامه فعالیت و هم برای گسترش فعالیت اداره و رهبری می‌کنند. کارآفرینان پویا به دنبال رشد هستند آنان فقط به یک چیز فکر نمی‌کنند اما تحقق توانایی خیلی چیزها را دارند. آنها در سطح جهانی می‌اندیشند و فعالیت می‌کنند، در پی توسعه‌اند، بر منابع خارجی تکیه می‌کنند و در مخاطات به گونه‌ای وارد و سهیم می‌شوند که پیروز می‌شوند. ماندگاری اقتصادی یک کشور عمدتاً به سطح عمومی ظرفیت کارآفرینی، توانایی یک کشور برای خلق شرکت‌ها سریع‌الرشد می‌باشد. سرعت ایجاد شرکت‌های جدید کوچک امر

مهمی است که زمینه رشد اقتصادی را در سطح خرد و کلان فراهم می‌کند. بدون شک ماندگاری اقتصادی شرطی ضروری برای ماندگاری اجتماعی است بدون وجود ماندگاری اقتصادی سایر عوامل جاذبه دار زندگی در یک ناحیه همچون آموزش و بهداشت، خدمات اجتماعی و مواردی از این قبیل نمی‌تواند در دراز مدت بهبود یابد و تثبیت شود.

جهت گیری کار آفرینانه در قبال توسعه روستایی بر خلاف توسعه مبتنی بر صادرات سرمایه انسانی و مادی بر مبنای انگیزش استعداد محلی کار آفرینی و رشد شرکت‌های بومی است. چنین انگیزشی به نوبه خود باعث ایجاد شغل و اعطای ارزش اقتصادی و اجتماعی به یک منطقه می‌شود. برای شتاب بخشیدن به توسعه اقتصادی در نواحی روستایی لازم است که عرضه کار آفرینان و پدیدار شدن جمعی از کار آفرینان نسل اول یعنی کسانی که مخاطره جویند افزایش یابند. اینان همان کسانی هستند که از هیچ چیزی خلق می‌کنند. لازم به اشاره است که کار آفرینی روستایی ماهیتا با کار آفرینی در محیط‌های شهری تفاوتی ندارد. کار آفرینی در نواحی روستایی در جستجوی ترکیب واحدی از منابع هم درون و هم در خارج از فعالیتهای کشاورزی است. چنین چیزی می‌تواند از طریق وسعت بخشیدن به فعالیتهای اقتصادی کشاورزی حاصل شود. تا جایی که تمام کاربری‌ها به غیر کشاورزی منابع موجود تحقق یابد و تحولات اساسی در کاربری زمین و سطح تولید از آنچه که در گذشته تنها مرتبط با کشاورزی بود صورت پذیرد. به این ترتیب کار آفرین روستایی شخصی است که برای ماندن در روستا و ایفای نقش در ایجاد ثروت عمومی آمادگی و اهداف اجتماعی توسعه در نواحی روستایی در قیاس با نواحی شهری بسیار بیشتر است. از این روی معمولا کار آفرینی در نواحی روستایی اجتماع مدار است دارای یک خانواده گسترده مستحکم، پیوند ها و تاثیری نسبتا زیاد بر اجتماع روستایی است.

کار آفرینی روستایی:

در ادبیات موضوع مصداق‌های متعددی از کار آفرینی موفق روستایی یافت می‌گردد. مثالهای متنوعی از کاربردهای غیر کشاورزی منابع موجود همچون پذیرایی گردشگران، آهنگری، ریسندگی و مثال‌هایی از تنوع بخشی به فعالیتهای نه‌چندان وابسته به کشاورزی در زمینه‌های منابع آب، اراضی جنگلی، ساختمان، مهارت‌های موجود و توانمندی‌های محلی وجود دارد که همگی با کار آفرینی روستایی متناسب است. ترکیب کار آفرینانه این منابع در رشته‌های فعالیتهایی همچون تسهیلات گردشگری، ورزش و اوقات فراغت، آموزش فنی و حرفه‌ای و تولیدات با ارزش افزوده و سایر فعالیتهای خارج از مزرعه تجلی یافت. تولید ارگانیک نیز نوعی فعالیت کار آفرین و از کاربری‌های جدید اراضی محسوب می‌گردد. این رشته از فعالیت از شدت عملیات کشاورزی بر اراضی می‌کاهد. در آن نواحی کار آفرینان روستایی پویایی به سر می‌برند آنها هم اکنون سرگرم گسترش فعالیت‌ها و بازارهایشان هستند و برای ارائه تولیدات و خدمات خود در خارج محدوده‌های محلی بازارهای جدیدی را می‌بند. برای ترسیم بهتر کار آفرینی اجتماعی به ارائه مثال‌هایی

در میان زنان روستایی مهارت های ارزیابی از خود و مهارت های مدیریتی در قیاس با زنان شهری پایین تر و دسترسی به منابع سرمایه‌ای غیر بومی مشکل‌تر است. بنابراین باید برنامه‌های فنی و مالی برای فائق آمدن بر موانع موجود شکل گیرد و طراحی شود تا به نیاز های زنان روستایی پاسخ دهد و زنان روستایی در شکل دهی کار آفرینانه به جوامع خود نقش فعال تری را ایفا کنند.

سیاست‌های ضد تولیدی به شمار می‌رود. راه حل دراز مدت توسعه کشاورزی پایدار تنها یک چیز یعنی کشاورزی رقابتی است. در شرایطی که قیمت‌ها جهت گیری‌های را مشخص می‌سازد وجود کار آفرینانی که پاسخگوی چالش روز افزون تقاضا در بازار بین‌المللی باشند و بتوانند راه کارهای سود آور بهره‌گیری از زمین و فرصت‌های تجاری را بیابند. یک ضرورت است. بنابراین سیاست‌ها و برنامه‌های ارتقا دهنده و هدایتگر کار آفرینی ضروری‌تر است. سیاست‌های زیر می‌تواند به طور معنی داری فعالیتهای کار آفرینان را در سطوح ملی، منطقه‌ای و اجتماعی سرعت بخشد.

- سیاست‌های افزایش تقاضا برای کار آفرینی
- سیاست‌های افزایش اثر بخشی کار آفرینان
- سیاست‌های توسعه بازار نهاده‌ها برای کار آفرینی موفق
- سیاست‌های افزایش تقاضا برای کار آفرینی
- سیاست‌های افزایش اثر بخشی کار آفرینان

سیاست‌ها و برنامه‌های ویژه توسعه کار آفرینی چندان تفاوتی را میان مکان فعالیت قابل نیست. از نقطه نظر فرآیند کار آفرینی این موضوع که مکان فعالیت یک شهر، یک مکان نیمه روستایی یا یک روستا باشد فی نفسه مهم نیست. به عنوان مثال نیاز های آنان که در روستاها به تازگی بدل به کار آفرینی می‌شوند و نیاز های صاحبان فعالیت‌های کوچک اقتصادی چندان با نمونه‌های مشابه در شهرها تفاوت ندارد. همگی آنان برای تحقق اندیشه‌های کار آفرینانه خود و رشد و پایداری در فعالیت اقتصادی نیازمند دسترسی به سرمایه، نیروی کار، بازار و مهارت‌های خوب مدیریتی هستند. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد به چه دلیل کار آفرینی روستایی در برخی نواحی که واجد هر دو رهیافت تکمیلی توسعه از پایین به بالا و توسعه از بالا به پایین هستند رشد و شکوفایی می‌یابد. توسعه کار آفرینان مستلزم وجود یک رهیافت جامع‌تر نسبت به توسعه روستایی است. برای تحقق چنین چیزی باید توانایی‌های محلی کار آفرینی توسعه یابد و یک راهبرد یکدست محلی و منطقه‌ای نیز وجود داشته باشد.

خدمات ترویج کشاورزی نوعی دیگری از نهادهای توسعه روستایی مبتنی بر کار آفرینی است. با این حال برای کسب توانایی در این جهت آنها باید ذهنی کار آفرین‌گرا داشته باشند. آنها باید فعالیت‌های کشاورزی را تنها به منزله یکی از فعالیت‌های قابل انجام که می‌تواند به نوبه خود نقشی را در توسعه روستایی ایفا کند بدانند. عناصر مربوط به سیاست توسعه کار آفرینی

روستایی شامل موارد زیر است:

- یک سیاست استوار اقتصادی ملی در خصوص کشاورزی که شناسایی نقش حیاتی کار آفرینی در توسعه اقتصادی روستا را نیز در بر گیرد.
- سیاست‌ها و برنامه‌های ویژه برای توسعه و هدایت استعداد های کار آفرینی
- وجود تفکر کار آفرین در خصوص توسعه روستایی نه تنها در میان کشاورزان بلکه در میان تمامی شخصیت‌ها و سازمان‌های دست‌اندر کار در توسعه روستایی
- وجود نهادهای حمایتی توسعه کار آفرینی روستایی و نیز تشکلهای توسعه راهبردی

زنان کار آفرین:

تمایل به موفقیت، خود مختاری، جسارت و استقلال از جمله ویژگی‌هایی است که میان زنان و مردان کار آفرین وجود دارد. علاوه بر آن هیچ تفاوتی در رغبت به مخاطره جویی میان زنان و مردان کار آفرین دیده نشده است. با این وجود لازم است که به گونه‌ای روشن‌تر درباره زنان کار آفرین مطالبی بیان شود. باید توجه داشته باشیم که زنان روستایی در هنگام تلاش برای همکاری در فرآیند تحول با موانع بسیاری مواجه هستند. نواحی روستایی در مواجهه با محبت جنسیت در قیاس با هر یک عامل آسیب رسان بسیار قوی برای زنان مستعد کار آفرینی به شمار می‌رود. در میان زنان روستایی مهارت‌های ارزیابی از خود و مهارت‌های مدیریتی در قیاس با زنان شهری پایین تر و دسترسی به منابع سرمایه‌ای غیر بومی مشکل‌تر است. بنابراین باید برنامه‌های فنی و مالی برای فائق آمدن بر موانع موجود شکل گیرد و طراحی شود تا به نیاز های زنان روستایی پاسخ دهد و زنان روستایی در شکل دهی کار آفرینانه به جوامع خود نقش فعال تری را ایفا کنند. آنان می‌توانند از این رهگذر برای اقدام در جهت تکامل بخشی به فعالیتهای اقتصادی خود گسترش فعالیت‌های اقتصادی قبلی و ایفای نقش در مقام کار آفرینان اجتماعی در شرایطی که شمار آنها کمتر از ظرفیتهای موجود است مشارکت فعال تری داشته باشند.

نتیجه گیری:

کار آفرینی یکی از راه کارهای اساسی در ایجاد فرصت‌های اشتغال - فقر زدایی - کاهش میزان مهاجرت و به طور کلی توسعه روستایی و به طور خاص توسعه کشاورزی است. امروزه بسیاری از کشورهای دنیا تاکید بر بالابردن اندیشه و تفکر مردم به ویژه فارغ‌التحصیلان رشته‌های مرتبط با بخش روستایی و کشاورزی برای انجام طرح‌های زیر بنایی و توسعه به طور کامل هستند.

پیشنهادات:

- تلفیق منابع و امکانات و مهارت‌های گوناگون
- تأمین اعتبارات برای کار آفرینان
- دستیابی به شمار بیشتری از داوطلبان کار آفرینی
- حمایت از تشکلهای کار آفرینی
- هدایت استعدادها به سمت کار آفرینی
- از بین بردن موانع موجود مانند تبلیغ، منابع، امکانات...
- برای تحقق اهداف کار آفرینی

منابع در دفتر نشریه موجود است.